

نام و نام خانوادگی: .....  
مقطع و رشته: نهم  
نام پدر: .....  
شماره داوطلب: .....  
تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران  
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران  
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد انقلاب  
ارزیابی سال تمصیلی ۱۴۰۵ - ۱۴۰۴  
  
۰۲۱-۲۹۳۶

نام درس: املا ی فارسی  
نام دبیر: خانم زهرا هادیان  
ساعت امتحان: ۳۰ : ۹ صبح / عصر  
مدت امتحان : ۴۵ دقیقه

محل مهر و امضاء مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	نمره به حروف:
	نام دبیر:	تاریخ و امضاء:	نام دبیر:	تاریخ و امضاء:

نام	سؤالات	نمره
-----	--------	------

### متن املا ی فارسی جهت قرائت در جلسه امتحان توسط دبیر گرامی

آدمی باید در محاوراتی که به حضور او میان دو کس می‌رود، خوض ننماید و اگر از او پوشیده دارند استراق سمع نکند و تا او را با خود در آن مشارکت ندهند، مداخلت نکند.

ای مفضل، پس داده است خداوند علیم به آدمی آنچه صلاح دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طاقت او نیست دانستن آنها؛ مانند امور آینده و آنچه در دل‌های مردم است و مانند اینها.

اگر می‌خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می‌باش و اگر نه، راهت داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.

۲۰ پدر رابعه را سه دختر بود. رابعه، چهارم بود. از آن، رابعه گویند. پدرش عهد کرده بود که از مخلوق هیچ نخواهد، برخاست و در خانه آن همسایه رفت و باز آمد. چون رابعه بزرگ شد، پدر و مادرش بمردند و در بصره قحطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرق شدند و رابعه به دست ظالمی افتاد. او را به چند درم بفروخت.

خداوندا! به مومنان ما روشنایی و به روشنفکران ما ایمان و به خفتگان ما بیداری و به بیداران ما اراده و به مسلمانان ما قرآن، به فرقه‌های ما وحدت، به ما خودآگاهی و عزت ببخش.

مرد بیمار با کلماتی مقطّع از دوست دانشمندش تمنا کرد که یکی از مسائل علمی را که زمانی با وی در میان گذاشته بود، بازگوید.

از دل نتوان کرد برون، حبّ وطن را...


" کلیم کاشانی "

با آرزوی موفقیت برای شما فرزندان نازنینم







اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران  
 دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد انقلاب  
**کلید ارزیابی سال تمصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴**  
 ۰۲۱-۲۹۳۶  
  
 [www.sarayedanesh.com](http://www.sarayedanesh.com)

نام درس: املا فارسی  
 نام دبیر: فانم زهرا هادیان  
 ساعت امتحان: ۹:۳۰ صبح / عصر  
 مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

محل مهر یا امضاء مدیر	راهنمای تصحیح	ردیف
	<p>آدمی باید در محاوراتی که به حضور (حضور) او میان دو کس می‌رود، خوظ (خوض) ننماید و اگر از او پوشیده دارند استراغ (استراق) سمع نکند و تا او را با خود در آن مشارکت ندهند، مداخلت نکند.</p> <p>ای مفضل (مفضل)، پس داده است خداوند علیم به آدمی آنچه سلاح (صلاح) دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شهن (شأن) و تاقت (طاقت) او نیست دانستن آنها؛ مانند امور آینده و آنچه در دل‌های مردم است و مانند اینها.</p> <p>اگر می‌خواهی به درجه مورچه غناعت (قناعت) کنی، می‌باش و اگر نه، راحت (راحت) داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متهیر (متحیر) شوی.</p> <p>پدر رابعه را سه دختر بود. رابعه، چهارم بود. از آن، رابعه گویند. پدرش اهد (عهد) کرده بود که از مخلوق هیچ نخواهد، برخواست (برخواست) و در خانه آن همسایه رفت و باز آمد. چون رابعه بزرگ شد، پدر و مادرش بمرند و در بثره (بصره) قحطی عظیم (عظیم) پیدا شد و خواهران متفرق شدند و رابعه به دست ضالمی (ظالمی) افتاد. او را به چند درم بفروخت.</p> <p>خداوند! به مومنان ما روشنایی و به زُشنفکران (روشنفکران) ما ایمان و به خفتگان ما بیداری و به بیداران ما اراده و به مسلمانان ما قرآن، به فرقه‌های ما وحدت، به ما خودآگاهی و عذت (عزت) ببخش.</p> <p>مرد بیمار با کلماتی مقّوع (مقّوع) از دوست دانشمندش تمنا کرد که یکی از مسائل علمی را که زمانی با وی در میان گذاشته بود، باز گوید.</p> <p>ناگهان تکبیر، پَر واکرد، در میان آتش و باروت، غوقا (غوغا) کرد، شت (شط) خرمشهر، کف می‌زد، شهر، یکباره به هوش آمد</p>	
نام و نام خانوادگی مصحح :	نام و نام خانوادگی مصحح :	جمع بارم : ۲۰ نمره